

بایسته های تبلیغ فرهنگ مهدوی

ب) دیدگاه فرهنگی - اجتماعی

این دیدگاه ضمن پذیرش همه مبانی و اصولی که در دیدگاه کلامی - تاریخی در زمینه تولد، غیبت و ظهور آخرین حجت الهی، حضرت مهدی(ع) پذیرفته شده و براساس براهین و شواهد قطعی و تردیدناپذیر عقلی و نقلی به اثبات رسیده، در پی این است که موضوع مهدویت و انتظار را به عنوان مبنایی برای پی ریزی کلیه مناسبات فرهنگی،

سیاسی و اقتصادی مسلمانان در عصر غیبت، طرحی برای رهایی جوامع اسلامی از تارهای درهم تنیده فرهنگ و مدنیت مغرب زمین و راهکاری برای گذر همه اهل ایمان از فتنه ها و آشوبهای آخرالزمان مطرح سازد.

پیش از پرداختن به مهم ترین شاخصه های دیدگاه فرهنگی - اجتماعی لازم است به عنوان مقدمه نکاتی را یادآور شویم:

در معارف شیعی، برخلاف دیگر ادیان و مذاهب، منجی موعود تنها به عنوان شخصیتی مربوط به آینده که در آخرالزمان زمین را از هرگونه بی عدالتی و نابرابری پیراسته می سازد، مطرح نیست؛ بلکه او شخصیتی است فرازمانی که سه زمان گذشته، حال و آینده را به هم پیوند می دهد.

امام مهدی(ع) از یک سو شخصیتی تاریخی و مربوط به گذشته است؛ چرا که او براساس قرائن و شواهد تاریخی انکارناپذیر در زمان و مکان مشخص و از نسل و تبار شناخته شده به دنیا آمده و حوادث و رویدادهای مختلف تاریخی را رقم زده است. این امام از دیگر سو، شخصیتی است مربوط به زمان حال؛ زیرا او به موجب نصوص فراوان، حجت خداوند بر بندگان در عصر حاضر و امام زمان شیعیان است و مردم در همین زمان حال نیز وظایف و تکالیف مشخصی در برابر او دارند. و بالاخره این امام؛ همچون موعود دیگر ادیان، شخصیتی مربوط به زمان آینده است؛ چرا که بنا بر روایات بی شماری که از پیامبر اکرم(ص) و اهل بیت عصمت و طهارت(ع) نقل شده، او جهان را پس از آنکه از ظلم و ستم پر شده از عدل و داد آکنده می سازد و آینده بشر را رنگ و بویی خدایی می دهد.

براین اساس می توان گفت: همچنان که محدود کردن شخصیت امام مهدی(ع) به زمان گذشته و تنها سخن از موضوعاتی مانند تاریخ غیبت صغری و غیبت کبری و نواب اربعه گفتن جفایی آشکار به این شخصیت است، محدود کردن آن به زمان آینده و معرفی کردن امام مهدی(ع) تنها به عنوان منجی موعود و کسی که فقط در آینده نامعلوم منشأ تحولاتی در جوامع انسانی خواهد بود، نیز ستمی بزرگ به حجت خدا و امام حق و شاهد و ناظر است. بنابراین تنها زمانی می توان به شناختی جامع از شخصیت امام مهدی(ع) و اندیشه مهدویت و انتظار شیعی دست یافت که جایگاه و نقش این شخصیت و اندیشه را در سه زمان گذشته، حال و آینده بررسی کنیم و ضمن توجه به ریشه های تاریخی اندیشه مهدویت، رسالتی را که در عصر حاضر در برابر آن امام بزرگوار(ع) برعهده داریم به فراموشی نسپاریم و در عصر غیبت تمام تلاش خود را برای کسب رضایت آن حضرت و دوری از ناخشنودی ایشان، به کار بندیم.

شاید بتوان گفت معنای «معرفت امام زمان(ع)» که پیامبر اکرم(ص) و امامان معصوم(ع) این همه

در روایات بر آن تأکید کرده و دست نیافتن به آن را برابر با مرگ جاهلی دانسته اند، نیز چیزی غیر از این نیست؛ زیرا معرفت امام زمان(ع) آنگاه می تواند ما را از مرگ جاهلی برهاند که بتوانیم با شناسایی امام عصر خود از هدایت های او بهره مند شویم و اوامر و نواهی او را پاس داریم وگرنه صرف این که بدانیم چه کسی در عصر حاضر امام ماست بی آنکه این امام تأثیری در زندگی و فعل و ترک ما داشته باشد، نمی تواند مایه نجات و رستگاری ما باشد.

در اینجا برای روشن تر شدن بحث، به چند روایت که در آنها حالات، ویژگیها و وظایف منتظران واقعی امام مهدی(ع) در زمان غیبت، بیان شده، اشاره می کنیم:

در نخستین روایت که از امام سجاد(ع) نقل شده، آن حضرت ضمن پیش بینی دوران غیبت دوازدهمین امام از سلسله جانشینان پیامبر اکرم(ص) کسانی را که در زمان غیبت، امامت این امام را پذیرا می شوند و در انتظار او به سر می برند، برترین مردم همه زمانها معرفی می کنند و دلیل این برتری را این می دانند که برای آنها غیبت و حضور هیچ تفاوتی نداشته و همان وظایفی را که در زمان حضور باید انجام دهند در زمان غیبت انجام می دهند:

غیبت دوازدهمین ولی خداوند - صاحب عزت و جلال - از سلسله جانشینان رسول خدا - که درود خدا بر او و خاندانش باد - و امامان بعد از او، به درازا می کشد. ای ابا خالد! آن گروه از مردم که در زمان غیبت او امامتش را پذیرفته و منتظر ظهور اویند برترین مردم همه زمانها هستند؛ زیرا خداوند - که گرامی و بلندمرتبه است - چنان خرد، درک و شناختی به آنها ارزانی داشته که غیبت [او] عدم حضور امام [برای آنها] همانند مشاهده [او] حضور امام است.

خداوند مردم این زمان را به مانند کسانی قرار داده که با شمشیر در پیشگاه رسول خدا - که درود خدا و او بر خاندانش باد - جهاد می کنند. آنها مخلصان واقعی، شیعیان راستین ما و دعوت کنندگان به سوی دین خدا در پنهان و آشکار هستند.^۱

در روایت دوم، امام صادق(ع) همه کسانی را که علاقه مند به داخل شدن در زمره یاران حضرت قائم(ع) هستند دعوت به انتظار کرده و به آنها سفارش می کند که در زمان انتظار، پرهیزکاری و اخلاق نیکو را پیشه خود سازند و در پایان نیز آن حضرت به منتظران نوید می دهد که اگر این گونه

دیدگاه فرهنگی -
اجتماعی در پی این
است که موضوع
مهدویت و انتظار را
به عنوان مبنایی
برای پی ریزی کلیه
مناسبات فرهنگی،
سیاسی و اقتصادی
مسلمانان در عصر
غیبت، طرحی برای
رهایی جوامع
اسلامی از تارهای
درهم تنیده
فرهنگ و مدنیت
مغرب زمین و
راهکاری برای گذر
همه اهل ایمان از
فتنه ها و آشوبهای
آخرالزمان مطرح
سازد

عمل کنند، پاداش کسانی را می یابند که در زمان ظهور در پیشگاه قائم (ع) هستند:

هرکس دوست می دارد از یاران [حضرت] قائم [که بر او درود باد] باشد، باید که منتظر باشد و در این حال پرهیزکاری و اخلاق نیکو را پیشه خود سازد، در حالی که منتظر است. پس چنانچه بمیرد و پس از مردنش قائم - که بر او درود باد - به پا خیزد، پاداش او همچون پاداش کسی خواهد بود که آن حضرت را درک کرده است. پس کوشش کنید و در انتظار بمانید، گوارا باد بر شما [این اجر] ای گروه مشمول رحمت [خداوند].^۲

بالاخره در سومین روایت، که پیش از این نیز بدان اشاره شد، امام مهدی (ع) با یادآوری ناگهانی بودن امر ظهور، از همه شیعیان و منتظران خود می خواهند که در زمان غیبت هر آنچه را که موجب خشنودی آن حضرت می شود پیشه خود سازند و از هر آنچه که موجب ناخشنودی ایشان می شود پرهیز کنند؛ زیرا در غیر این صورت در زمان ظهور هیچ عذری از آنها پذیرفته نمی شود.^۳

با این نگاه به انتظار است که دیدگاه فرهنگی - اجتماعی، شکل گرفته و نگاهی متفاوت نسبت به آنچه تا کنون در زمینه فرهنگ مهدویت وجود داشته، مطرح کرده است.

در این قسمت از مقاله اگر بخواهیم به شاخص ترین اندیشمندانی که براساس دیدگاه فرهنگی - اجتماعی به تحلیل و بررسی اندیشه مهدویت و انتظار پرداخته و تلاش کرده اند با طرح این اندیشه راهی برای خروج شیعیان از بن بستهای عصر غیبت بیابند، اشاره کنیم، به جرأت می توانیم بگوییم در طول یازده قرنی که از آغاز غیبت کبرای امام عصر (ع) می گذرد، هیچ فقیه، متکلم، فیلسوف و مصلح اجتماعی به اندازه امام خمینی (ره) به این دیدگاه اهتمام نداشته و در این زمینه تأثیرگذار نبوده است.

امام راحل با طرح اندیشه تشکیل حکومت اسلامی در عصر غیبت و تلاش خستگی ناپذیر در راه تحقق این اندیشه، به «انتظار» معنا و مفهوم تازه ای بخشید و تعریفی نو از رسالت و تکلیف شیعیان در برابر حجت خدا ارائه داد.

برای روشن تر شدن دیدگاه حضرت امام در این زمینه، به برخی از مهم ترین شاخصه های این دیدگاه اشاره می کنیم:

۱. ارائه برداشتی متفاوت از مفهوم حجت: ایشان با ارائه مفهومی عمیق و بدیع از «حجت بودن امام معصوم» اعلام می دارند که چون خداوند در روز قیامت به سبب وجود امام زمان و پدران

اگر بخواهیم به شاخص ترین اندیشمندانی که تلاش کرده اند راهی برای خروج شیعیان از بن بستهای عصر غیبت بیابند اشاره کنیم، به جرأت می توانیم بگوییم هیچ فقیه، متکلم، فیلسوف و مصلح اجتماعی به اندازه امام خمینی (ره) به این دیدگاه اهتمام نداشته و در این زمینه تأثیرگذار نبوده است

بزرگوارش (ع) بر بندگان احتجاج و نسبت به عمل براساس سیره، رفتار و گفتار این بزرگواران از مردم بازخواست می کند، بر آنان لازم است که همه تلاش خود را برای تحقق سیرت امامان معصوم (ع) در جامعه به کار بندند و در این زمینه هیچ عذر و بهانه ای از آنها پذیرفته نمی شود.

حضرت امام در کتاب البیع خود به هنگام بررسی ادله ولایت فقیه، ضمن برشمردن توفیق شریف حضرت صاحب الامر (ع) که در آن آمده است:

... و أما الحوادث الواقعة فارجعوا فيها إلى رواة حديثنا فإنهم حجتي عليكم وأنا حجة الله.

... و اما در رویدادهایی که برای شما پیش می آید به راویان حدیث ما مراجعه کنید؛ چرا که آنها حجت من بر شما هستند و من حجت خدایم.

می فرماید:

مقصود از حجت خدا بودن امام معصوم این نیست که فقط بیان کننده احکام است؛ زیرا گفته بزرگانی چون زراره و محمد بن مسلم نیز حجت است و هیچ کس حق مردود دانستن و عمل نکردن به روایات ایشان را ندارد و این امر بر همه گان آشکار است. بلکه منظور از حجت بودن امام زمان و پدران بزرگوارش، صلوات الله علیهم اجمعین، این است که خداوند تعالی به سبب وجود ایشان و سیره و رفتار و گفتار آنان در تمام شؤون زندگی شان، بر بندگان احتجاج می کند. از جمله شؤون امامان، عدالت آنان در همه زمینه های حکومت است. به عنوان مثال، وجود امیر المؤمنین، علیه السلام، برای تمام فرمانداران و حاکمان ستم پیشه حجت است؛ زیرا خداوند به واسطه سیرت آن بزرگوار، باب عذر و بهانه را بر همه آنان در تعدی از حدود الهی و تجاوز به اموال مسلمانان و سرپیچی از قوانین اسلامی بسته است. همین گونه اند سایر حجت های خداوند، به ویژه حضرت ولی عصر، علیه السلام، که عدل را در میان مردم می گسترانند و زمین را از قسط پر می کند و بر اساس نظامی عادلانه بر مردم حکم می راند.^۴

۲. دگرگون ساختن مفهوم انتظار: امام خمینی مفهومی را که در طول قرون و اعصار از «انتظار» در اذهان بسیاری از شیعیان نقش بسته بود دگرگون ساخت و با تفکری که انتظار را برابر با سکون، رکود و تن دادن به وضع موجود معرفی می کرد به مقابله جدی پرداخت:

همه ما انتظار فرج داریم و باید در این انتظار خدمت کنیم. انتظار فرج، انتظار قدرت اسلام

در سالهای اخیر گروهی از فرزندان انقلاب اسلامی و وفاداران به آرمانهای امام خمینی تلاش کردند که با الهام از اندیشه های این پیر فرزانه ابعاد و زوایای دیگری از دیدگاه فرهنگی - اجتماعی را تبیین کنند

موعود شماره چهارم

خیانتی سهمگین را به دنبال دارد. باید دولت جمهوری اسلامی تمام سعی و توان خود را در اداره هر چه بهتر مردم بنماید، و این بدان معنا نیست که آنها را از اهداف عظیم انقلاب که ایجاد حکومت جهانی اسلام است منصرف کند. در سالهای اخیر گروهی از فرزندان انقلاب اسلامی و وفاداران به آرمانهای امام خمینی تلاش کردند که با الهام از اندیشه های این پیر فرزانه ابعاد و زوایای دیگری از دیدگاه فرهنگی - اجتماعی را تبیین کنند. این گروه با درک عمیق از موقعیت کنونی انقلاب اسلامی در جهان، نیازهای فرهنگی جامعه اسلامی ایران و شرایط سیاسی، فرهنگی و اقتصادی حاکم بر جهان معاصر، تبلیغ و ترویج فرهنگ مهدویت و انتظار را سر لوحه فعالیت های خود قرار داده و پرداختن به امور زیر را در عصر حاضر ضروری می دانند:

۱. شناسایی و نقد بنیادین وجوه مختلف فرهنگ و تمدن مغرب زمین، به عنوان فرهنگ و مدنیتی که در تقابل جدی با آرمان «حقیقت مدار»، «معنویت گرا» و «عدالت محور» مهدوی قرار دارد؛ زیرا انسانهای عصر غیبت تنها زمانی می توانند به ریسمان ولایت مهدوی چنگ زنند و به تمام معنادر سلک منتظران موعود قرار گیرند که باطل زمان خویش را به درستی بشناسند و با تمام وجود از آن بیزاری جویند؛

۲. شناخت و نقد جدی مناسبات فرهنگی، سیاسی و اقتصادی حاکم بر جوامع اسلامی؛ مناسباتی که عمدتاً به تقلید از الگوهای توسعه غربی و تحت تأثیر اندیشه های عصر مدرنیته در این جوامع شکل گرفته است؛ چرا که این جوامع بدون شناخت جدی وضع موجود خود نمی توانند به راهکارهای مبتنی بر آموزه های دینی برای خروج از فتنه های فراگیر عصر غیبت دست یابند؛

۳. تلاش در جهت تدوین استراتژی سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی جوامع اسلامی در عصر غیبت و تا رسیدن به عصر طلایی ظهور، براساس اندیشه مهدویت و انتظار؛

۴. بازشناسی وجوه مختلف اعتقادی، تاریخی، فرهنگی و اجتماعی اندیشه مهدویت و انتظار با بهره گیری از منابع متقن و مستدل و استفاده از همه توان مراکز علمی حوزوی و دانشگاهی در زمینه مباحث، کلامی، فلسفی، عرفانی، اخلاقی، علوم اجتماعی و سیاسی و...؛

۵. تلاش در جهت پالایش اندیشه ناب مهدوی از هرگونه شائبه جعل و تحریف و زدودن این اندیشه از زنگارهای جهل و خرافه، سخنان سست و

بی اساس و هرگونه دیدگاه انحرافی مبتنی بر افراط یا تفریط؛

۶. پاسخگویی عالمانه و متناسب با نیازهای روز به شبهات، پرسشها و ابهامهای موجود در زمینه اندیشه مهدویت؛

۷. احیا و گسترش فرهنگ انتظار و تلاش برای شناساندن نقش سازنده این فرهنگ در پایداری و پویایی جوامع اسلامی؛

۸. تبیین وظایف و تکالیف مردم در برابر حجت خدا و امام عصر(ع)، نهادینه ساختن این وظایف و تکالیف در فرد و اجتماع و آماده ساختن جامعه اسلامی برای استقبال از واقعه مبارک ظهور؛

۹. مقابله جدی با کلیه جریانهای سیاسی - فرهنگی که در قالب کتاب، نشریه، فیلم، نرم افزارهای رایانه ای، پایگاه های اطلاع رسانی جهانی (اینترنت) و... به تقابل با اندیشه مهدویت شیعی می پردازند؛

۱۰. بررسی و نقد کلیه دیدگاه هایی که از سوی متفکران مغرب زمین در زمینه جهان آینده و آینده جهان مطرح است.

یکی از مهم ترین کتابهایی که می توان با استفاده از آن به شناختی نسبتاً جامع از دیدگاه فرهنگی - اجتماعی رسید، کتاب زیر است:

استراتژی انتظار (جلد ۲ در یک مجلد)، اسماعیل شفيعي سروسناني، چاپ اول: تهران، موعود عصر، ۱۳۸۱.

ادامه دارد

پی نوشتها:

۱. شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۲۰؛ محمدباقر مجلسی، همان، ج ۵۲، ص ۱۲۲، ج ۴.
۲. محمدبن ابراهیم نعمانی، کتاب الغیبه، ص ۲۰۰، ج ۱۶.
۳. محمدباقر مجلسی، همان، ج ۵۳، ص ۱۷۶.
۴. امام خمینی، کتاب البیع، ج ۲، ص ۴۷۴-۴۷۵؛ همو، شؤون و اختیارات ولی فقیه (ترجمه مبحث ولایت فقیه از کتاب البیع)، ص ۴۶.
۵. صحیفه نور (جموعه رهنمودهای امام خمینی) ج ۷، ص ۲۵۵.
۶. همان، ج ۱۹، ص ۱۵۴.
۷. همان، ص ۱۹۸.
۸. همان، ج ۲۰، ص ۱۹۷.
۹. همان.
۱۰. همان، ج ۲۱، ص ۱۰۸.